

# تجربیات خوب مربیان فرهنگی در مسجد امام محمد باقر علیه السلام شهرستان فسا

۱- در این مسجد یک مجموعه‌ی تحت عنوان قرارگاه فرهنگی بود.

در قرارگاه فرهنگی برای رده‌ی سنی ۱۲-۱۵ سال (تقریباً) برگزار میشد.

در تابستانها، آخر هر هفته طرحی برگزار می‌شد تحت عنوان "اعتکاف علمی" که نوجوانان از ظهر پنج‌شنبه در مسجد حضور داشتند و تا صبح شنبه از مسجد خارج نمیشدند و با هماهنگی که با خانواده‌ها شده بود، نوجوانان حتی دو شبی که بین این بازه بود را در مسجد می‌خوابیدند.

محتوای کلاس‌ها شامل دشمن‌شناسی، اصول عقاید، آموزش قرآن و کار کردن روی یک سری از جزوات ... بود.

محتوای کلاس‌ها همان محتوای است که مجموعه‌ی خود ما یعنی خط فرهنگی برای دانشجویان کار می‌کرد بجز مطالب بسیار سطح بالا.

به نظرم چیزی رو که با بچه‌های ۱۲-۱۵ سال آن مسجد میتوان کار کرد شامل جزواتی از بخش‌های سیرمطالعاتی موجود در وبلاگ خط فرهنگی از مبانی کار فرهنگی، تا اصول عقاید، تاریخ معاصر، تاریخ صدر اسلام، شبهات اعتقادی و سیاسی روز، آموزش‌های کامپیوتر، سینمای غرب و هالیوود و هر چیزی دیگر که متناسب با فهم نوجوانان باشد.

حتی در موردی یکی از مربیان در ایام تابستان هر روز ۶ ساعت کلاس می‌گذاشته است که خیلی تعجب برانگیز است.

محتوای کلاس‌ها با کلاس‌های رزمی - دفاع شخصی - و فوتبال ترکیب شده بود. وقت نوجوانان به طور کامل در ایام تابستان در مسجد گذرانده می‌شد.

البته دو طلبه به صورت تمام وقت در ایام تابستان در مسجد حضور داشتند و چون طلبه همان شهر بودند در ایام تحصیلی نیز در همان مسجد با ساعت کار کمتر حضور داشتند.

واقعا نوجوانان باسواد در مسجد حضور داشتند.

اعتکاف علمی و کلاس‌های مطالعاتی که برگزار شده بود سطح سواد این نوجوانان را افزایش داده بود و میتوانست با اضافه کردن محتوای های بیشتری این نوجوانان را تا سطح یک فعال فرهنگی تراز انقلاب اسلامی بالا برد یعنی واقعا اینقدر امیدوار کننده بودند.

البته طبیعی بود که تعداد نوجوانان جدی بسیار زیاد نبود ولی تقریباً سطح خوبی در آنجا بود.

۲- نوجوانانی که در کلاس‌های بالا شرکت می‌کردند باید متن‌های رو آماده می‌کردند و بعد در بین نماز مغرب و عشاء برای نمازگزاران مسجد حدود ۵-۱۰ دقیقه سخنرانی می‌کردند.

یعنی هر نوجوانان باید خودش را آماده می‌کرد برای ارائه کردن یک سخنرانی جلوی عموم مردم.

عملاً باعث شده است تا نوجوانان با دقت مطالب کلاس را دنبال کنند چرا که باید سخنرانی کنند و نیاز به مطلب داشتند.

بعد از سخنرانی هر نوجوانانی هم یکی از اهالی مسجد بلند می‌شد و از مردم می‌خواست برای سلامتی آن نوجوان صلوات بفرستند.

در یک نماز جماعتی که من در آنجا حضور داشتم یک نوجوانانی بسیار خوب و عالی سخنرانی‌ای را انجام کرد که تحسین مردم را برانگیخت. واقعاً نیروی تربیت شده‌ی خوبی بود.

۳- هر هفته سه شنبه شبها اهالی مسجد به همراه نوجوانان در خانه‌ی یکی از شهدا حضور پیدا می‌کردند و یک زیارت عاشورا در آنجا می‌خواندند و یک پذیرایی با چایی . در پایان هر دیدار خانواده‌ی شهدا هم یک دستگاه بلندگو سیار داشتند و از مادر شهید می‌خواستند در مورد شهیدشون صحبت کنه که تأثیر دیدار با خانواده‌ی شهدا را دو چندان می‌کرد.

۴- کلاسی هم برای نونهالان زیر ۱۰ یا ۱۱ سال برگزار می‌شد که در آن نوجوانان بین ۱۲-۱۵ سال باید یک سری جزوات ساده درباره‌ی نماز اول وقت ، احترام به پدر و مادر ، نماز جماعت و چیزهای ساده‌ی دیگری را به این نونهالان یاد می‌دادند.

یعنی عملاً نوجوانان باید برای نونهالان کلاس‌های را می‌گذاشتند.

برای نونهالان دفترچه‌های برای آموزش در نظر گرفته شده بود.

مثلاً برای نماز اول وقت یک دفترچه جزوه‌ای بود که در این دفترچه در یک صفحه داستانی از نماز اول وقت نوشته بود. بعد مربی که خود نوجوان است باید این

داستان را برای شاگردان توضیح می‌داد و هر نونهالی باید نتیجه‌گیری خود از این داستان را در چند خط می‌نوشت.

در صفحات دیگر این دفترچه چند حدیث راجع به نماز اول وقت بود و دوباره مثل بالا مربی باید آن را برای نونهال توضیح می‌داد و دوباره باید نونهال ، نتیجه‌گیری خود را از این احادیث در چند خط می‌نوشت.